خبر

جایزه ویژه جشنواره صبح به فلسطین

مسئولان برگزاری جشنواره در معاونت برون‌مرزی صداوسیما تصمیم دارند جایزه ویژه جشنواره را به بهترین طرح، ایده یا برنامه‌ای که در راستای حمایت از مقاومت فلسطین و پاسداشت تلاش‌های مردم آن منطقه در مبارزه با اشغالگری باشد، اهدا کنند. ابراهیم علی برزی، دبیر جشنواره ضمن بیان مطلب فوق افزود: فلسطین و مقاومت جوانان آن در برابر اشغالگری معیار و میزان درستی در شناخت پایبندی به اصول اسلامی و انسانی است و هرکس ادعای دفاع از کرامت انسانی و حمایت از ارزش‌های اسلامی دارد، در دفاع از مردم مظلوم فلسطین باید ثابت قدم بوده و از هر اقدامی در این راه دریغ نورزد. جشنواره رسانه‌ای صبح نیز افتخار دارد در حمایت از ایده‌های تولید برنامه‌های متنوع در حمایت از مردم فلسطین، جایزه ویژه خود را به این امر اختصاص دهد. ابراهیم علی برزی افزود: هر جشنواره‌ای برای خود اهدافی دارد که از جمله اهداف جشنواره رسانه‌ای صبح می‌توان به شناساندن گروهی از برنامه‌سازان در معاونت برون‌مرزی و شبکه‌های آن اشاره کرد که شامل بیش از ۱۵ شبکه تلویزیونی و ۳۰ شبکه رادیویی است که آثار فاخری در عرصه رسانه ای تولید می‌کنند اما بسیاری از هنرمندان در داخل و خارج از سازمان از آن بی‌اطلاع هستند. علاقه‌مندان شرکت در جشنواره می‌توانند به سایت جشنواره به نشانی sobhfestival.ir مراجعه کنند.

سریال شبکه ۳ مهمان روزنامه «جام جم» شدند

ی باچاشنی کمدی جنایی

نداشتیم تا ما به ازای بیرونی برای آن پیدا کنم. اما به مرور در دل کار با توجه به تعریفی که خود نویسندگان از کاراکتر داده بودند و با توجه به دیالوگ‌ها درآوردیم، البته برخی ویژگی‌ها قطعا ما به ازای بیرونی دارد. مثلا ویژگی پیگیری را از یک شخصیت و بقیه را از فردی دیگر می‌توان گرفت و با هم تلفیق کرد تا یک شخصیت جدید خلق کرد. این‌که گفتید چنین کارمند پیگیری هست یا نه، نمی‌دانیم وجود دارد یا نه. اگر می‌خواستم پیدا کنم هم زمانبر بود. به هر حال به مرور با صحبت با آقای احمدلو به نظر همسانی در جنس کمدی این کاراکتر رسیدیم. البته با کارگردان خیلی همسو بودیم و فقط یک جلسه قبل از کار صحبت کردیم. سال‌هاست من دنبال این جنس کار بودم. من این مدل کمدی را خیلی دوست داشتم و این جزء فضاهایی است که احساس می‌کنم با توجه به روحیات و علاقه‌های خودم، از این جنس کمدی خیلی بیشتر جواب می‌گیرم اما پیش نیامده بود. گاهی مجبوریم خودمان را به پیشنهادهایی که می‌شود بسپاریم. احساس می‌کنم این شخصیت به فضای ذهنی من خیلی نزدیک بود و به نظرم جواب داد.

در این سریال می‌بینیم مامور بیمه و خانواده‌اش به‌شدت پاکدست هستند و در کار هرگز پی‌شان نمی‌لغزد. این میزان از مثبت‌بودن مقابل شخصیت‌های دغل‌بازی که شهرام قائدی، مرجانه گلچین و ... بازی می‌کنند به نوعی سفید و سیاه مطلق است. چرا آن‌قدر مثبت هستند؟

ثنایی: اگر در واقعیت هم سراغ یک پرونده صحنه‌زنی در بیمه بروید می‌بینید که مامور تا آخر خط ماجرا را دنبال کرده‌است تا به نتیجه دقیق برسد و از پرداخت خسارت‌های بی‌مورد جلوگیری کند. اگر همین پرونده را هم که ما به سریال تبدیل کردیم ببینید متوجه می‌شوید که پس از گذشت دو سال باز است. هنوز پرداخت صورت نگرفته چون متوجه شدند آتش‌سوزی واقعی نبوده‌است. دو مامور دنبال کار این پرونده هستند.

ابیلی: البته قسمت دوم نشان می‌دهیم وقتی رئیس محسن پرونده را به او می‌دهد می‌گوید پاکدست‌تر از تو پیدا نکردم که این کار را به او بسپارم. در یک کار کمدی وقتی می‌خواهی پرونده‌ای را به شخصیتی بسپاری که پیش از این مدام گند زده‌است باید یک دلیل منطقی داشته‌باشی. در اینجا دلیلش همین پاکدست بودن است.

جمشیدی: باور دارم در همه جای جامعه و همه اصناف خوب و بد هست ولی ما در این سریال بخش‌هایی از آن را نشان دادیم. البته وقتی قصه جلو برود می‌بینیم که همین آدم هم یک‌سری شیطنت‌ها و بدجنسی‌هایی در زندگی شخصی‌اش دارد که مثلا در قبال شخصیت حسن (خواستگار خواهرش) آن را به خرج می‌دهد.

احمدلو: اگر بخواهیم نگاه کلاسیک به قصه داشته‌باشیم باید گفت همیشه خیر و شر کنار هم درام را پیش می‌برد. تقابل آدم بد و خوب ضدقهرمان و قهرمان را می‌سازد. طبیعتا مخاطب از قهرمان انتظاراتی دارد و از ضدقهرمان انتظارات دیگری.

در این سریال داستانک‌هایی هست که کنار خط اصلی با قوت نمایش داده می‌شود و اتفاقا بانمک هم هستند اما همه شخصیت‌ها در این داستانک‌ها هم به‌صورت اتفاقی با همدیگر ارتباط دارند. این اتفاق از جایی به بعد میزانش زیاد می‌شود. مثلا شخصیت حسن در کارخانه کار می‌کند و از قضا خواستگار خواهر مامور بیمه‌ای است که پیگیر واقعه آتش‌سوزی کارخانه می‌شود. این مقدار از اتفاقی بودن ارتباط‌ها برای خودتان باورپذیر و منطقی است؟

مهدی خزلبانی، بازیگر نقش حسن: حسن در این سریال یک کاتالیزور است. رابط بین آدم‌هاست و به افزایش بار طنز قصه هم کمک می‌کند. باید یک‌سری آدم‌ها در درام باشند که شخصیت‌های اصلی و فرعی را به همدیگر پیوند دهند. این اتفاق هم که می‌گویید، باعث برخورد و شکل‌گیری درام می‌شود.

ابیلی: در فیلمنامه‌نویسی درسی هست که می‌گوید اتفاق برای شروع قصه غلط نیست. اتفاق‌گذاشتن برای پایان‌بندی غلط است.

خزلبانی: اتفاق ناگزیر است چون باید قصه شکل بگیرد.

آقای خزلبانی، چهره شما به رضا شفیعی جم شباهت زیادی دارد. گریم و گاهی بازی و اکت‌هایی هم که در این سریال دارید مخاطبان را بیشتر یاد این بازیگر می‌اندازد. این اتفاق تعمدی است؟

خزلبانی: اصلا تعمدی نیست. شبیه‌بودن چهره هم اتفاق است و نمی‌توانم دراین‌باره کاری کنم. من سال‌ها تجربه کار کمدی روی صحنه را دارم و از ابتدا به آقای احمدلو گفتم نمی‌خواهم اوراکت بازی کنم و هرجا دیدی دارم از چارچوب خارج می‌شوم حتما به من یادآوری کن. این درحالی است که نوع بازی آقای شفیعی جم اوراکت است. بازی ایشان خیلی خوب است ولی نخواستم مثل این بازیگر یا هیچ بازیگری دیگری باشم. چون هرچقدر هم بخواهم خوب بازی کنم می‌شوم نوع دوم آن بازیگر. اگر این موضوع به نظرتان آمده حتما به‌خاطر شباهت چهره است. در خیابان هم ممکن است من را نشناسند ولی می‌گویند چقدر شبیه رضا شفیعی جم هستی.

این‌که به‌خاطر شباهت شناخته شوید ناراحت‌تان نمی‌کند؟

خزلبانی: نه. چون دست خودم نبوده‌است. خیلی‌ها شبیه همدیگر هستند. البته سعی کردم در بازیگری کاری کنم که شبیه نباشیم.

در «چشم‌بندی» ترکیب نسبتا موفقی از بازیگران چهره و کمدی حضور دارد که از همان ابتدا مخاطبان را جذب می‌کند. کنار این چهره‌ها از بازیگران پیشکسوت استفاده کردید که گاهی گلایه‌هایی از کم‌کار شدن دارند. چقدر به لزوم به‌کارگیری این افراد باور دارید؟

احمدلو: استفاده از این افراد تعمدی بود. در پیش‌تولید با تهیه‌کننده و نویسندگان دراین‌باره گپ زدیم. خداراشکر ۹۰ تا ۹۵ درصد بازیگران اصلی همان انتخاب‌های اول‌مان بودند و برای نقش‌های مکمل که به نوعی زیور کار هستند همیشه تمایل دارم از پیشکسوتان استفاده کنم، چون خودم بچه سینما هستم از گذشته باور دارم حضور پیشکسوتان برکت کار است. یک کار اخلاقی، معرفتی و انسانی است که به آنها روحیه می‌دهد. ضمن این‌که می‌توان از تجربه و هنرشان هم در کار سود برد. البته چهره‌های جوان و جدید هم معرفی کردیم تا در میان بلبشو فرش قرمزهای پوشالی و گعده‌های برخی استعدادهای تازه باشند.

خزلبانی: در کارهای دیگر آقای احمدلو هم چنین چیزی را دیدیم. مثلا زنده‌یاد نوذری پس از مدت‌ها دوباره با این کار درخشید. در همین کار هم حتی از عکس زنده‌یاد نعمت‌ا... گرجی استفاده شده تا ادای دینی به ایشان باشد.

آقای جمشیدی، شما سال‌ها در ژانر کمدی تجربه کسب کرده و به نوعی صاحب سبک شده‌اید. در این مسیر چه بخش‌هایی از بازی‌تان در تعامل با نویسنده و کارگردان شکل گرفت؟

جمشیدی: تعامل خوبی داشتیم و حتی متوجه شدم نویسندگان آن‌قدر با دقت کار را دنبال می‌کنند که با پخش سریال و نوع بازی که من ارائه دادم برخی جزئیات را تغییر دادند. همه تلاش کردیم تا به شیرین‌تر شدن کار کمک کنیم. البته با آقای احمدلو تعامل بیشتری داشتم و ایشان دستم را بازگذاشتند تا بداهه‌هایی که به ذهنم می‌رسد را مطرح کنم. اگر پیشنهاد جذاب باشد می‌پذیرد و اگر نه، ایده را هرس می‌کند تا به آرمانی که داریم برسیم. البته بخشی از کار هم به جنس بازی من برمی‌گردد و سعی می‌کنم دیالوگ‌هایی را اصطلاحا برای خودم کنم.

با توجه به این‌که سریال همزمان با پخش تصویربرداری می‌شود آیا بازخوردهای مردم در ادامه نگارش فیلمنامه تاثیرگذار بود؟

ابیلی: نمی‌توان گفت بی‌تاثیر، چون به هر حال ما از بازخوردها و اتفاقات سر صحنه کمک می‌گیریم اما از آنجا که اسکلت کلی قصه مشخص است خیلی نمی‌تواند تاثیر داشته‌باشد. این اتفاق بیشتر در مجموعه‌های کمدی موقعیت رخ می‌دهد و نویسندگان با توجه به این‌که کاراکتری در قصه بین مردم بیشتر گرفته، نقش را افزایش می‌دهند یا کمتر می‌کنند. اما در سریال چشم‌بندی، چون ما قصه کلی را داشتیم، کمتر این تغییرات رخ داده‌است.

قرار است فصل دوم این مجموعه را بسازید و پایان باز برای قصه انتخاب کنید تا بتوانید ادامه بدهید؟

ابیلی: بهتر است آقای ثنایی این سوال را پاسخ دهند اما می‌توان سراغ پرونده‌های مختلف رفت و روی این موضوع کار کرد.

در قسمت‌های اولیه مجموعه، امید روحانی ایفاگر نقش جمشید اولنگی در قصه فوت می‌شود و با توجه به این‌که مخاطب شاهد اتفاقی تلخ است اما می‌بینیم که در فضای قصه، غم و اندوه پررنگ نیست، حتی مخاطب به واسطه کارهای بانمک ناهید یا همان عمه خانم (مرجانه گلچین) در قصه، خنده‌اش می‌گیرد. چه شد که این فضا را به این شکل به تصویر کشیدید؟

ابیلی: تخصص شاهد احمدلو این است که صحنه مرگ را در قصه بامزه در می‌آورد. با این که قصه ما در کاغذ در صحنه‌های آتش سوزی، مرگ جمشید و ... کمی تلخ بود اما وقتی قرار شد شاهد احمدلو کارگردانی کار را به عهده بگیرد این بخش‌ها را افزایش دادیم، زیرا می‌دانستیم شاهد حتما قصه را در این بخش‌ها با نمک‌تر خواهد کرد.

چطور از یک بازیگر سرشناس برای چنین نقشی دعوت کردید؟

احمدلو: این هم از تمهیدات ما بود که می‌خواستیم مخاطب را غافلگیر کنیم، زیرا بیننده انتظار داشت نقش جمشید پررنگ‌تر شود اما در همان قسمت‌های ابتدایی فوت می‌کند. ضمن این‌که علاقه‌مندم صحنه مرگ را با نمک تصویر کنم.

برای خواندن مشروح این نشست کیوآرکد روبه‌رو را اسکن کنید

ماجرای یک مجموعه تماشایی

مریم رفیعی
گروه رسانه

یکی از رسالت‌های مهمی که رسانه‌ملی به‌عهده دارد، تهیه برنامه‌های با محتوا در جهت شادی‌بخشی و امیدآفرینی به مردم است. به همین دلیل مدیران و دست‌اندرکاران رسانه‌ملی هرازگاهی برنامه‌هایی با این محوریت تهیه و روانه آنتن می‌کنند. حال ممکن است این اتفاق در قالب برنامه رخ بدهد و گاهی در قالب مجموعه تلویزیونی. بنابراین برخی مواقع تهیه‌کنندگان و کارگردانان سراغ ساخت مجموعه‌های طنز و کمدی می‌روند. سریال‌هایی که خنده را مهمان لب‌های مخاطبان می‌کند. تا به امروز مجموعه‌هایی از این دست زیاد تولید و پخش شده است و هر چه می‌گذرد شاهد روند رو به رشد چنین آثاری در تلویزیون هستیم.

این موضوع نشان می‌دهد اقبال مردم از چنین آثاری باعث شده تا سازندگان آثار نمایشی به سمت ساخت آثار طنز خانوادگی و اجتماعی مناسب و مخاطب‌پسند بروند. به همین دلیل شاهد سیر صعودی چنین آثاری هستیم. تازه‌ترین محصول بامحتوا و خنده‌ساز رسانه‌ملی که در مسیر رضایت بینندگان حرکت می‌کند، سریال «چشم‌بندی» است که این شب‌ها از شبکه سه سیما پخش می‌شود. هنرمندان طناز شناخته‌شده سینما و تلویزیون در قالب یک سریال دیدنی به نام چشم‌بندی سعی کرده‌اند ماجراها و حوادث تلخ‌وشیرین شخصیت‌های قصه را روایت کنند تا مخاطب را به تماشای مستمر این سریال تشویق و ترغیب و علاقه‌مند کنند. این مجموعه ویژگی‌های متمایزی دارد، از جمله این‌که هنرمندانی این مجموعه تلاش کرده‌اند تا بتوانند بازی‌های متفاوتی نسبت به دیگر کارهای طنزشان به تصویر بکشند تا مورد توجه مخاطبان قرار بگیرند.

شاهد احمدلو، کارگردانی این مجموعه کمدی را به‌عهده دارد که از کودکی وارد عالم سینما و تلویزیون شده است. او به‌دلیل سبقه پدرش در این رشته، سال‌هاست که فعالیت می‌کند و فقط خودش را به دنیای بازیگری محدود نکرده است و در کنار آن کارگردانی و نویسندگی هم به عهده دارد. او برای سریال چشم‌بندی هم یک کارگردانی شسته و رفته دارد، حتی این کار او نسبت به کارهای قبلی‌اش به لحاظ کارگردانی یک سر و گردن بالاتر است و می‌توان رشد صعودی کارگردان را در این اثر مشاهده کرد. او تلاش کرده با تکیه بر دانش و تجارب خود در ساختن فیلم‌ها و سریال‌های طنز و بهره‌گیری از چهره‌های سرشناس طنز و متنی خوب و بازیگری‌های مقبول از هنرمندان، یک طنز تلویزیونی دلپذیر بسازد و استقبال بینندگان از این سریال نشان می‌دهد احمدلو در کار خود به توفیق رسیده است. چشم‌بندی، روایتگر داستان آشنای دو باجناق و مناسبات خانوادگی و اجتماعی آنهاست. از سوی دیگر سریال احمدلو صرفا جهت سرگرم کردن تماشاگران نیست و مخاطبان با تماشای سریال با سبک زندگی ایرانی و اسلامی هم آشنا می‌شوند. همچنین از دیگر امتیازات این سریال این که احمدلو، سراغ نسل‌های مختلف برای ساخت سریالش رفته و صرفا از نسل جوان استفاده نکرده و سراغ بازیگران پیشکسوت رفته است که در این باره می‌توان به سعید پیردوست اشاره کرد که در این سریال نقش بزرگ خانواده را بازی می‌کند. همه این موارد جزو نقاط قوت سریال محسوب می‌شود و توانسته مخاطبان را پای تلویزیون بنشاند.

پیشکسوت

تداعی‌کننده طنزهای قدیمی

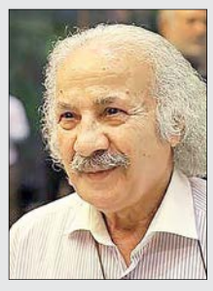

سعید پیردوست را بیشتر با مجموعه‌های کمدی که در تلویزیون بازی کرده می‌شناسیم. بازیگری که بعد از یک وقفه نسبتا طولانی، مدتی است مجموعه «چشم‌بندی» را روی آنتن دارد. او که نقش بزرگ خانواده را بازی می‌کند، در این باره به جام جم می‌گوید: وقتی این سریال به من پیشنهاد شد به دلیل این‌که شاهد احمدلو مثل پسر من است و خودم بزرگش کردم و از کودکی می‌شناختمش قبول کردم در این سریال بازی کنم. البته در صحبت‌هایی که با هم داشتیم به من گفت که چشم‌بندی سریالی نیست که به کسی بربخورد و تبدیل به هجو شود و قرار نیست به هر طریقی مخاطب را بخنداند. وقتی شاهد درباره نقش من هم صحبت کرد خوشم آمد بازی کنم. به نظرم همان‌طور که شما گفتید تا حدودی فضای طنزهای دهه ۸۰ برای مخاطب تداعی می‌شود. او همچنین درباره جذابیت‌های این نقش توضیح می‌دهد: خان‌عمو، بزرگ یک خانواده است، ولی اشتباهاتی دارد که آن را برای مخاطب باورپذیر می‌کند. همین که آدم‌ها را با هم اشتباه می‌گیرد یا اشعار را فراموش می‌کند، جزو ویژگی‌های این شخصیت است که به شیرینی آن افزوده.

رخ

یک دورهمی خانوادگی

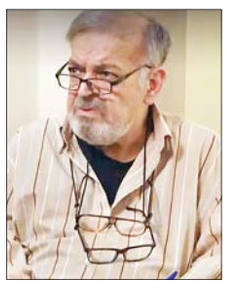

حمید لولایی را خیلی‌ها با حضورش در مجموعه «زیر آسمان شهر» به خاطر دارند. او نقش پیرمرد سرایداری به نام خشایار مستوفی را بازی می‌کرد که مدام یک چماق به دست داشت و فرزندش پولاد را با آن تربیت می‌کرد. لولایی بعد از مدت‌ها که نقش متفاوتی را در تلویزیون بازی نکرده بود، این بار در «چشم‌بندی» ایفاگر یکی از نقش‌های اصلی است که برایش به نوعی چالش محسوب می‌شود. او در این سریال نقش جهان برهانی را بازی می‌کند. پیرمردی که مانند اغلب سریال‌هایی که مقابل دوربین‌شان می‌رود، درگیر ماجرایی خانوادگی و در عین حال طنز می‌شود و اتفاقا بار دیگر همبازی مرجانه گلچین شده است. البته اولین همکاری آنها «بزنگاه» بود و بعد هم در چند اثر دیگر همبازی شدند. لولایی ویژگی خاصی در بازیگری دارد. یعنی در عین جدی بودن و این‌که اصلا روحیه طنز و کمدی ندارد اما در آثار کمدی بسیاری حضور داشته و خوب هم بازی کرده است. از جمله همین مجموعه که توانست بازی متفاوتی ارائه بدهد و جالب این‌که در یک کار طنز، جدی بازی کند و مورد توجه بینندگان نیز قرار بگیرد.

نما

اثر آموزشی و فرهنگ‌ساز

«چشم‌بندی» را می‌توان جزو اولین مجموعه‌های کمدی دانست که در دل خود ماجرایی جنایی را هم دنبال می‌کند. از طرفی این مجموعه اطلاعات بسیاری در حوزه بیمه به مخاطبان می‌دهد که این اطلاعات، بسیار کاربردی است. چشم بندی را می‌توان یک اثر آموزشی و فرهنگ‌ساز دانست که در کنار سرگرمی، می‌تواند برای مخاطبان موثر و مفید هم باشد. ضمن این‌که یک گونه جدید در کمدی است که پرونده پلیسی را هم دنبال می‌کند. از طرفی حضور بازیگران این مجموعه با موقعیت و بازی متفاوت را می‌توان از ویژگی‌های این اثر دانست.
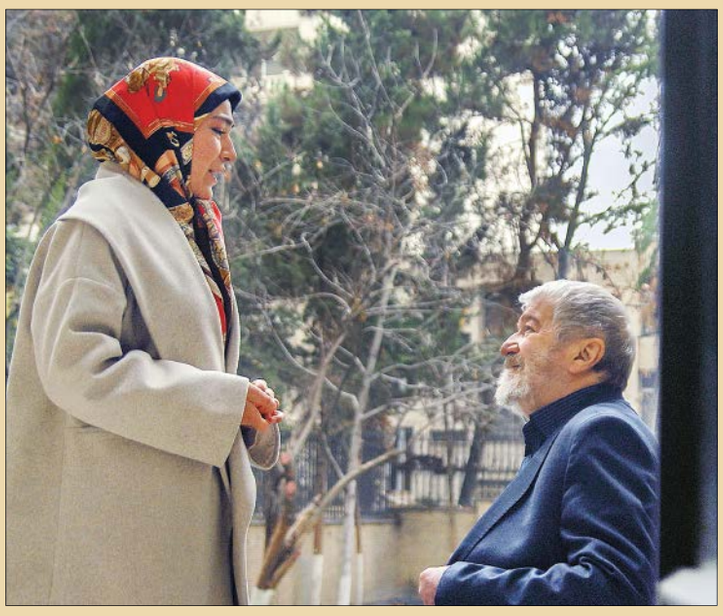
برای دیدن فیلم نشست کیوآرکد روبه‌رو را اسکن کنید